



RESEARCH ARTICLE

## Analysis of Family Policies in Iran Considering Gender Roles

**Bizhan Zare<sup>1</sup>, Reza Safaryshali<sup>2</sup>, Zeynab Izadi<sup>3\*</sup>, Alireza Karimi<sup>4</sup>**

1- Full Professor of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

2- Associate Professor of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

3- Phd of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

4- Assistant Professor of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

\*Corresponding Author's Email: [Zeynab\\_izadi@yahoo.com](mailto:Zeynab_izadi@yahoo.com)

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.89541>

Received: 24 April 2022  
Accepted: 2 August 2022

### ABSTRACT

In this research, with the aim of investigating the change of the family & the gender roles of women & men, the policies related to the family were analyzed & qualitative methods & thematic analysis techniques were used to reach clear results. In the end, seven basic themes, three organizing themes & also the overarching theme of "lack of problem-oriented view in family policies" were obtained. These themes show the policy's emphasis on women's motherly & wifely roles & limiting the definition of family to women's roles because laws & policies do not emphasize fatherly duties & the only duty of men in the family is to head & provide livelihood.

**Keywords:** Thematic Analysis, Family Policy, Cultural Policy & Gender Role.





## مقاله پژوهشی

### تحلیل سیاست خانواده در ایران با ملاحظه نقش‌های جنسیتی

بیژن زارع<sup>۱</sup>، رضا صفری شالی<sup>۲</sup>، زینب ایزدی<sup>۳\*</sup>، علیرضا کریمی<sup>۴</sup>

- ۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
- ۲- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
- ۳- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
- ۴- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

\* رایانامه نویسنده مسئول Zeynab\_izadi@yahoo.com

doi <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.89541>

تاریخ دریافت: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱  
تاریخ پذیرش: ۱۱ مرداد ۱۴۰۱

## چکیده

در این پژوهش با هدف بررسی تغییر خانواده و نقش‌های جنسیتی زنان و مردان به تحلیل سیاست‌های مرتبط با خانواده پرداخته و برای رسیدن به نتایج روشن از روش کیفی و تکنیک تحلیل مضمون استفاده شد. در نهایت هفت مضمون پایه، سه مضمون سازمان‌دهنده و همچنین مضمون فراگیر «عدم نگاه مسئله‌محور در سیاست‌های خانواده» بدست آمد. این مضامین، نشان‌دهنده تأکید سیاست‌ها بر نقش‌های مادری و همسری زنان و محدود کردن تعریف خانواده به نقش‌های زنان می‌باشد چراکه در قوانین و سیاست‌ها بر وظایف پدری تأکید زیادی نشده و تنها وظیفه مردان در خانواده، ریاست و تأمین معاش است.

**واژگان کلیدی:** تحلیل تماتیک، سیاست خانواده، سیاست فرهنگی و نقش جنسیتی.

## مقدمه

خانواده قدمتی به فراخنای خلقت آدمی دارد که در طول تاریخ، تحولات وسیعی را پشت سر گذاشته و پیوسته مورد تأیید و تأکید ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام و مکاتب اخلاقی جهان بوده است (Navabinejad, 2012: 45). قرآن کریم و روایات ائمه اطهار از خانواده و زندگی زناشویی تحت عناوین مختلفی یاد می‌کند از جمله: پیوند محکم، نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند، عامل تکثیر نسل، دژی در مقابل زندگی سراسر فسق و فجور، سنت پیامبران الهی، محبوب‌ترین بنا نزد خداوند، بالاترین نعمت پس از اسلام، کامل‌کننده دین، گشاینده درهای رحمت الهی و عامل ارزش یافتن عبادات (Bojari & Parham, 2013). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خانواده به عنوان یکی از ارکان اصلی و ضروری در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد توجه و اهمیت قرار گرفت. اصولی از جمله اصل ۱۰ قانون اساسی، دولت را ملزم به قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور تسهیل، تشکیل و تحکیم مبانی خانواده و حفظ قداست آن نموده است (Kianpour & et al., 2019). می‌توان گفت بخش اعظمی از اهمیت خانواده در قوانین و اسناد بالادستی به این مهم برمی‌گردد که خانواده و مسائل و موضوعات مربوط به آن در فرهنگ عامه مردم ایران همچنان نقش و جایگاه غیر قابل انکار و غیر قابل جایگزینی دارد. اهمیت ازدواج، فرزندآوری، زناشویی و ارتباط جنسی و عاطفی در بستر خانواده در کنار قباحت طلاق، خیانت زناشویی و خشونت خانوادگی، از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ عامه و آداب و رسوم مردم ایران نهادینه شده است. خانواده در میان اکثر جوامع و ملت‌ها بر پایه پیوند زناشویی بین دو جنس زن و مرد شکل می‌گیرد. جنسیت به یک سری انتظارات فرهنگی اطلاق می‌شود که زن و مرد مطابق آنها رفتار می‌کنند (Kruger, 1997) لذا انتظارات و نقش‌های جنسیتی که زن و مرد در جامعه و خانواده بر عهده دارند، اهمیت پیدا می‌کند. موضوع سیاست‌های مربوط به خانواده خصوصاً در مورد نقش‌های جنسیتی با توجه به تغییر جامعه به‌ویژه در دوره گذار از سنت به مدرنیته دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است. دیوید چیل می‌گوید: «خانواده دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد». به اعتقاد گورویچ، خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای «ساخته‌شدن»، «از ساخت افتادن» و «بازساختی شدن» برخوردار است (Mir Mohammad & Rezaei & et al., 2017). امروزه مدرنیته نظم جدیدی را زمینه‌ساز شده که در سبک زندگی، عادات، ارزش‌ها و شیوه‌های تفکر و معناهای ذهنی افراد تحولاتی را ایجاد کرده است و به تبع آن ارزش‌ها و معناهای خانوادگی نیز در حال دگرگونی است. در چنین شرایطی ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و هنجارهایی که الزامات و نیازهای ساختار جدید را تأمین می‌کند، به وجود آمده و الگوهای جدید زندگی با سبک‌های خاص خود در حال ظهور است (Dehdast & Ghobadi, 2020). در این راستا، موضوع نقش‌های جنسیتی و لزوم برخورداری از تعریفی درست، کارا، همه‌جانبه و به‌روز، یکی از مهم‌ترین موضوعات و مسائل مربوط به خانواده است. با توجه به اهمیت تعریف نقش‌های جنسیتی همسو با مقتضیات دنیای کنونی، پژوهش حاضر تلاش دارد تا تعریف نقش‌های جنسیتی را از سیاست‌های خانواده در قوانین و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد. پژوهشگران، بررسی موضوع نقش‌های جنسیتی در اسناد بالادستی، قوانین و سیاست‌های خانواده را از این حیث ضروری می‌دانند که قانون و اسناد بالادستی، اسنادی بالقوه و لازم‌الاجرا محسوب شده که به فعلیت در آمدن و قدرت عملیاتی شدن و اجرای آنها سریع و اثربخش است. این پژوهش مدعی است بررسی کیفی اسناد و قوانین بالادستی و شناخت ضعف‌ها و کاستی‌های این قوانین در موضوع نقش‌های جنسیتی، قبل از اجرایی شدن توسط دولت‌ها و نهادهای اجرایی جامعه، اهمیتی به مراتب بالاتر از نظارت بر اجرای صحیح آنها دارد؛ چرا که دولت‌ها همیشه خود را متعهد به اجرای قوانینی می‌دانند که بعضاً در اصل و اساس شکل‌گیری با مشکل روبرو بوده است؛ بنابراین ضروری است قبل از اهمیت بر اجرایی شدن قوانین، اعتبار، درستی، کارایی و اثربخشی این قوانین در مورد تعاریف و نقش‌های جنسیتی مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر با فرض پیشگیری به‌جای درمان، به‌جای پرداختن به مسائل و مشکلات حوزه خانواده یا بررسی کوتاه‌مدتی و کم‌کاری دولت‌ها و دستگاه‌های اجرایی، آموزشی، مشاوره‌ای، قضایی و همچنین کم‌کاری نهاد خانواده، به بررسی اسناد بالادستی و قوانین در پی پاسخ به این سؤال کلیدی پرداخته است که آیا سیاست‌های موجود، به همان اندازه که به تشکیل خانواده و بقا و بازتولید آن اهمیت داده است، به الزامات آن از جمله تعریف درست و شفاف از نقش‌های جنسیتی در خانواده نیز توجه کرده است؟ و اگر این چنین است آیا این تعاریف متناسب

با تغییرات جامعه و هم‌راستا با شرایط خانواده در جامعه امروزی تعریف شده است و به عبارتی از کارایی لازم در جامعه برخوردار است؟

### پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در مورد نقش‌های جنسیتی دو رویکرد نسبتاً متفاوت را نشان می‌دهد؛ یکی توجه و تأکید بر نقش‌های جنسیتی متفاوت و غالباً سنتی و دیگری توجه به تغییر و اصلاح نقش‌های جنسیتی و غالباً سنتی. هر دوی این رویکردها با هدف شکل‌گیری و حفظ کانون خانواده، ادعای بازتولید یا تغییر نقش‌های جنسیتی را دارند. پژوهش‌هایی همچون پژوهش فورست و فاکس (2012) که بر بازتولید نقش‌های جنسیتی مخصوصاً با رویکرد مرد نان‌آور و زن مراقب یا خانه‌دار تأکید دارند، معتقدند وجود نقش‌های جنسیتی باعث افزایش رضایت زوجین می‌شود؛ البته زوجینی که در بسترهای باورهای سنتی رشد کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها همچون پناهی، (2011) بر وجود سلسه‌مراتب در تعریف نقش‌های جنسیتی با توجه به نظام ارزشی، باورها و اعتقادات مذهبی و همچنین روانشناسی تأکید کرده‌اند. دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها مانند جلالی خواه، (2016) معتقدند اگرچه مفاهیم خانواده در طول زندگی نسل‌های مختلف تغییراتی داشته است؛ اما در تعریف نقش‌های جنسیتی به دلیل کارکردی و رضایت‌بخش بودن آنها تغییری ایجاد نشده است. برخی پژوهش‌ها همچون کاردوانی و همکاران، (2017) نقش‌های سنتی در خانواده را در ارتباط مستقیم با سیاست‌های جمعیتی و تأکید بر فرزندآوری یا عدم فرزندآوری تعریف می‌کنند. در همین راستا پژوهش‌هایی همچون کرمی (2014) و ارحامی (2013) افزایش استقلال زنان، سرمایه‌گذاری توسط زنان، تحصیل و سیاست‌های تشویقی اشتغال زن را در رابطه معکوس با بارداری و کاهش کیفیت زناشویی قلمداد می‌کنند. دسته دیگر از پژوهش‌ها، ضرورت اصلاح و تغییر در نقش‌های جنسیتی را لازم می‌دانند. برخی همچون افضلی، (2018) عدم تعادل نقش‌های جنسیتی و کار خانگی چندبرابر و بدون مزد زنان نسبت به مردان در خانه را عاملی در نارضایتی زندگی و تشدید احساس نابرابری در جامعه می‌داند. با این وجود، برخی از پژوهش‌ها همچون احتشام‌زاده، (2010) تغییر در نقش‌های جنسیتی را لازم اما تغییری تعادلی در راستای آموزه‌های دینی و با ضرورت عدم لطمه خوردن به وظیفه مادری زن در خانواده تعریف می‌کنند. پرونه، ۲۰۰۷ با تأکید بر تعادل نقشی، به ارائه راهبردهایی برای کمک به مراجعین برای کنار آمدن با دغدغه‌های نقشی خانه - محل کار پرداخته است. پژوهشگرانی همچون اتکینسون (1987) معتقدند تغییرات و اصلاحات در حوزه نقش‌های جنسیتی بیشتر جنبه تئوری و نظری داشته و در عملیاتی و اجرایی شدن در جامعه با مشکل روبروست. نتایج تحقیق بهمنی (2012) نشان داده است که با وجود تغییرات بسیار در زمینه برابری در تقسیم‌کار جنسیتی و ساختار قدرت در خانواده ایرانی، بسیاری از کلیشه‌های جنسیتی و اختلاف‌های قدرت همچنان پایدار هستند که این موضوع نشان از حاکمیت عرف و جریان جامعه‌پذیری غیررسمی در جامعه دارد که همچنان به کلیشه‌های جنسیتی دامن می‌زند. همسو با گیرجی و هلوگیگ، (2012) می‌توان گفت درحالی‌که زنان بر اساس اخلاقیات، عدالت و تساوی خواهی، خواهان تغییر نقش‌های جنسیتی هستند، مردان بر اساس اتکا به قراردادهای اجتماعی غالباً سنتی و ناعادلانه جامعه، معتقد به بازتولید همان نقش‌های جنسیتی موجود و سنتی هستند. در همین راستا مصدق فکچره (2012) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که اشتغال زنان رابطه معناداری با میزان همکاری زن و مرد در امور مربوط به خانه ندارد و باورهای سنتی مردان در مورد زنان به واسطه شاغل بودن آنان تغییری نداشته است. همچنین یافته‌های پژوهش رفعت جاه، (2012) نشان می‌دهد که در سطح خانه و خانواده همچنان کلیشه‌های جنسیتی وجود دارند و این موقعیت، تناقض‌هایی را در مورد وظایف و ارزش‌های خانواده ایجاد کرده است. زنان وارد اجتماع شده و در تأمین مخارج خانواده سهم دارند؛ اما مردان همچنان کارهای منزل را دست‌کم می‌گیرند و در انجام آنها مشارکت نمی‌کنند. اولاه (2018) نیز در پژوهش خود به تنوع شکل خانواده‌ها و تغییرات نقش زن و مرد در خانواده پرداخته و مدعی است باوجود اینکه تغییر نقش زنان در دوران کنونی گسترده‌تر بوده؛ اما در بیشتر کشورها تغییری در نقش مردان دیده یا حتی آغاز نشده است. در همین راستا موسوی و همکاران (2020) نیز معتقدند که سیاست خانواده در ایران علی‌رغم توجه به اشتغال زنان، الگوی سنتی مرد نان‌آور/زن مراقب را بازتولید و تثبیت می‌کند. برخی از پژوهش‌ها همچون نظری (2019) در توجیه ناکارآمدی تغییر و اصلاح نقش‌های جنسیتی، از فاصله‌گیری سیاست‌گذاری‌ها و قوانین لازم‌الاجرا با زندگی واقعی و نظر کنشگران اصلی خانواده مخصوصاً جوانان صحبت

می‌کنند. یا مرادی (2021) در پژوهش خود معتقد است ایده‌آل‌های سیاست‌گذاری های جامعه در مورد خانواده به این علت که با واقعیت‌های موجود خانواده، همخوانی نداشته عمدتاً با شکست مواجه شده است. مواردی نظیر «افزایش طلاق، افزایش سن ازدواج، سست شدن پیوندهای زناشویی، شکاف بین نسل‌ها، شیوع برخی آسیب‌ها و انحراف‌ها» نشان‌دهنده این است که خانواده مطابق طرح موردنظر سیاست‌های فرهنگی شکل نگرفته است. با این وجود پژوهشگرانی همچون شعاع (2019) معتقدند برای افزایش انسجام خانواده، مشارکتی شدن و توازن قدرت در آن کمک بسزایی خواهد کرد. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن پژوهش‌های پیشین، تلاش دارد موضوع نقش‌های جنسیتی را از منظر اسناد بالادستی و قوانین بررسی کند. مزیت این پژوهش، بررسی جزئی‌تر و همه‌جانبه اسناد و قوانین موجود مخصوصاً اسناد جدید مثل قانون حمایت از جوانی جمعیت است تا این موضوع مهم را مورد بررسی قرار دهد که آیا در تدوین اسناد در موضوع نقش‌های جنسیتی در خانواده با توجه به مقتضیات دنیای کنونی، تغییرات جهانی و تغییراتی که خانواده به خود دیده است، تغییرات قابل توجه، مؤثر و کارایی ملاحظه می‌شود؟ همچنین از آنجاکه پژوهش‌های پیشین عمدتاً با رویکرد زنان و اعتراض به نقش‌های جنسیتی زنان صورت گرفته است، این پژوهش تلاش دارد تا در بررسی اسناد، کلیدواژه‌های مهمی چون انتظارات نقش‌های مردانه مخصوصاً در خانواده را مورد بررسی و توجه قرار دهد.

## ملاحظات نظری

مفهوم نقش جنسیتی در خانواده به وظایف و انتظاراتی اشاره دارد که برای هر فرد بر حسب پایگاهی که در جامعه احراز نموده، تعیین شده است؛ بنابراین نقش جنسیتی عبارت است از «انتظارات غالب در یک جامعه در مورد فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آنها درگیر شوند» (Kammeyer & et.al., 1989: 325). بسیاری از جامعه‌شناسان، تقسیم‌کارها و نقش‌های جنسیتی را عنصر ضروری در کارآمدی اجتماع دانسته‌اند؛ چنان‌که «ریل» از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی خانواده معتقد است زیر بنای جامعه در خانواده شکل می‌گیرد. حفظ اجتماع به حفظ خانواده بستگی دارد و برای بقای خانواده تقسیم‌کار و جداسازی نقش‌ها ضرورت دارد (Azad Armaki, 2007: 10). انقلاب صنعتی و گسترش روابط سرمایه‌داری به تدریج تغییرات عظیم در حیات اقتصادی و اجتماعی جوامع و به تبع آن در خانواده ایجاد کرد. در این دوران میان کار تولیدی و کار غیرتولیدی تمایز ایجاد شد: کار تولیدی به‌عنوان کار «پول آور» و کار غیرتولیدی به‌عنوان کاری که اگرچه ضروری است، اما صرفاً جنبه معیشتی دارد و مولد هیچ مازادی نیست و غیرکاری محسوب می‌شود. به این ترتیب، میان سپهر عمومی و خصوصی برای نخستین بار تفکیک به وجود آمد و پیامدهای عمیقی برای روابط و هویت‌های مبتنی بر جنسیت داشت. با این تحولات، زنان به سپهر خصوصی یا خانگی رانده شدند که کار انجام‌گرفته در آن کار تولیدی نبود (Moshirzadeh, 2003: 24-26). جدایی عرصه عمومی و خصوصی، تأثیرات بسیاری بر حوزه خانواده و نقش‌های خانوادگی داشت. تالکوت پارسونز جامعه‌شناس کارکردگرا، به توجیه تقسیم‌کار خانگی بین زنان و مردان می‌پردازد و این نوع نقش‌های خانوادگی را بی‌معضل و طبیعی جلوه می‌دهد. در عمل، این تخصصی شدن نقش‌ها مستلزم این است که شوهر به‌عنوان نان‌آور، نقش ابزاری را به عهده گیرد و زن نقش احساسی و عاطفی را به عهده بگیرد (Giddens, 2008: 255). در یک نگاه می‌توان شواهدی در تأیید سخن پارسونز ارائه کرد. بدون شک الگوی تفکیک جنسیتی نقش‌ها در دوران گذشته و نیز در بسیاری از خانواده‌ها در دوران معاصر استحکام خانواده را به بهترین شکل تأمین کرده است. با این همه، همان گونه که منتقدان پارسونز می‌گویند واقعیت زندگی خانوادگی در دوران معاصر در بسیاری از خانواده‌ها به گونه دیگری رقم خورده است. در این خانواده‌ها، همان الگوی تقسیم‌کار جنسیتی که بنا بر فرض باید عامل انسجام خانواده باشد به‌صورت کانون مشاخره زناشویی و عامل بی‌ثباتی خانواده درآمده است. بسیاری از زنان از اینکه بار عمده کارهای خانگی بر دوش آنان سنگینی می‌کند و مردان مسئولیت چندان در این زمینه نمی‌پذیرند، شکایت دارند (Bostan, 2006). شکل‌گیری جنبش‌های فمینیستی از جمله واکنش‌های شکل‌گرفته در مقابل تفکیک سنتی نقش‌های جنسیتی محسوب می‌شود. یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های فمینیست‌ها، تقسیم‌کار خانگی است، یعنی اختصاص دادن نقش‌ها و وظایف به اعضای خانواده. نظام تولید سرمایه‌داری موجب تمایز قطعی بین حوزه‌های خانه و کار شد. این فرایند به متبلور شدن «حوزه‌های مذکر» و «حوزه‌های مؤنث» و روابط قدرت انجامید (Giddens, 2008: 255). فمینیست‌های لیبرال بر ایدئولوژی برابری تأکید

ورزیده و درصدد تحقق آن از طریق حضور در ساختارهای سیاسی جامعه بودند. آنها وضعیت موجود را حفظ می‌کنند ولی برای رسیدن به برابری، زنان را در جایگاه مردان می‌نشانند. در حقیقت ساختارهای مردسالار تغییر نمی‌کند، بلکه این زنان هستند که لباس مردانه بر تن می‌کنند. در این رویکرد فمینیست‌ها، سنت‌ها و ارزش‌هایی را که نقش زنان را در خانواده مورد تأکید قرار می‌دهد به‌عنوان زمینه‌های ستم بر زنان معرفی می‌کنند (Bostan, 2006: 42). در فمینیسم رادیکال ضمن انتقاد از نابرابری جنسیتی تاریخی، بیش از آنکه بر برابری جنسیتی تأکید شود، بر تمایز آن اصرار می‌شود. به اعتقاد آنان مشکل اصلی زنان به ایدئولوژی پدرسالاری یا مردسالاری باز می‌گردد که همچون هژمونی مسلطی، تاریخ و فرهنگ انسانی را به نفع جنس مرد تمام کرده و همه چیز را با نگرش مردانه تعریف کرده است. در واقع مطابق رویکرد رادیکالی، هر مردی دشمن ستم‌پیشه‌ای برای زن تعریف می‌شود که برای رسیدن به مطلوب خود جایگاه و نقش‌های زن را تعریف و در واقع ماهیت زنان را تحریف می‌کند؛ بنابراین ستیزی فراگیر بین زنان و مردان وجود دارد (Moshirzadeh, 2003: 266-280). موج سوم بیشتر متأثر از دیدگاه پست‌مدرن بود. فمینیست‌های سابق افکار، آرمان و اولویت‌های مربوط به همه زنان را نمایندگی نمی‌کردند؛ زیرا بسیاری از زنان علاقه‌ای به کار بیرون از منزل نداشته و از خانه‌داری لذت می‌بردند، یا سقط جنین را اقدامی ضد زنانه تلقی می‌کردند یا مسائل آنها مشکلات بومی و محلی خاص خودشان بود نه ادعاهای فمینیست‌ها؛ لذا شعارها و عملکرد فمینیست‌ها مطلوب آنها نبود. در چنین فضایی لزوم توجه به تفاوت‌ها در بین زنان و پرهیز از زیاده‌روی در تمایز از مردان، مهم‌ترین زمینه‌پدایش موج سوم فمینیسم را فراهم آورد تا به تجدیدنظر در نظریه‌ها و تغییر در اولویت‌های سابق روی آورند (Moshirzadeh, 2003: 391-398). از سوی دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان معاصر با به کارگیری اصطلاح «برساخته» بر این اعتقادند که «هویت»، معنای جوهری و ثابتی ندارد و به گفته کاستلز، افراد و گروه‌های اجتماعی معنا را مطابق با الزامات اجتماعی و طرح‌های فرهنگی باز تنظیم می‌کنند. از نظر «برگر» زندگی در جامعه مدرن کنشگران را در معرض تجربه‌های جدید قرار می‌دهد و به اندیشیدن وامی‌دارد. برگر معتقد است زوجین زمان حال را می‌سازند؛ گذشته را بازسازی می‌کنند و آینده مشترک برنامه‌ریزی شده‌ای را به وجود می‌آورند (Sohrabzadeh & al., 2019: 22-23). نظریه فردگرایی و بازاندیشی با مطرح‌شدن توسط اولریش بک و آنتونی گیدنز در علوم اجتماعی تأثیرگذار شده است، به شکلی که افراد دیگر شکل زندگی از پیش تعیین شده نداشته، حق داشته باشند خودزندگینامه خود را بسازند. تمرکز بر «خود» با تأکید بر رضایت فردی و توسعه فردی در حال نشستن بر جای اهداف جمعی است (Beck, 1992). افراد به دنبال نزدیکی عاطفی هستند و به «خانواده انتخابی» می‌رسند. در این نوع خانواده مسائل با مباحثه و تصمیم‌گیری حل می‌شوند (Beck & Beck-Gernsheim, 2002). یکی از نتایج این تغییر این است که خانواده‌ای که توسط جنسیت و نسل جداسازی شده بود با شکلی جدید از خانواده که بر اساس مذاکره است جایگزین می‌شود و نقش‌های از پیش تعیین شده از بین می‌روند. در این وضعیت دیگر هنجاری در مورد این که با هر جنسیتی چه کسی باید چه کاری را چطور و چگونه انجام دهد نیست. گیدنز مفهوم ایده‌آل «رابطه ناب» را برای این نوع رابطه برگزیده و نوعی خانواده پسا سنتی را شرح داد که در آن زن و مرد به تدریج از محدودیت‌های جنسیت و نقش‌های جنسیتی سختگیرانه رها شده و با تصمیم‌های همه‌روزه خود را تعریف کرده‌اند (Giddens, 1991). گیدنز در کتاب راه سوم بیان می‌کند امروزه تنها داستانی که می‌تواند در ارتباط با خانواده گفت دموکراسی است که به‌وسیله «برابری، استقلال، تصمیم‌گیری با مشورت و رهایی از خشونت» به دست می‌آید. در بررسی نظریات موجود در حوزه نقش‌های جنسیتی به این مهم دست یافتیم که بحث نقش‌های جنسیتی قدمتی به درازای تاریخ زندگی بشر بر کره زمین دارد. اما ارزش‌گذاری‌های تاریخی به نفع مردان، ایجاد نظام‌های مردسالارانه و قدرت‌بخشیدن به جایگاه مردان که هم‌زمان با ایجاد نظام سرمایه‌داری و صنعتی شدن جوامع شکل گرفت اعتراضات گسترده‌ای را در خصوص نقش‌های جنسیتی، عدالت و برابری جنسی به همراه داشت. مهم‌ترین آنها، اعتراضات فمینیستی بود. البته نظریه‌های فمینیستی نیز به دلیل نگاهی که از زاویه قدرت به موضوع جنسیت دارند و در صدد نشان دادن زنان در جایگاه مردان در قالب فمینیست رادیکال یا انجام کارهای مردانه توسط زنان و برابری مطلق زنان و مردان در قالب فمینیست لیبرال هستند، با مخالفت‌های گسترده مخصوصاً از سوی زنانی از ملت‌های مختلف با فرهنگ‌ها، عقاید و آداب و رسوم مختلف قرار گرفتند. به همین دلیل موج سوم فمینیستی شکل گرفت که به تفاوت‌های محلی، قومی، نژادی و فرهنگی در موضوعات زنان و تعاریف مختلفی که از نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد، اهمیت داد. به دنبال آن و با دمیده شدن بر طبل پایان مدرنیته، مفاهیم دموکراتیزه شدن، فردی

شدن و تفکر بازانديشانه وارد ادبيات خانواده شد. در اين تعارف به نقش های جنسیتی و تعريف ساختارهای قدرت به نفع زنان يا مردان اشاره نشد؛ بلکه مفهوم دموکراسی، گفت‌وگو و تفاهم به میان آمد و نقش های جنسیتی نه بر اساس ساختارهای قدرت و از منظری بیرونی که بر اساس گفت‌وگو و تفاهم اعضای خانواده شکل گرفت؛ به گونه‌ای که در همه این مفاهیم، بحث رضایت فردی از خود و زندگی خانوادگی و اجتماعی مطرح شد.

## روش پژوهش

روش تحلیل در این پژوهش کیفی است. پژوهش کیفی هر نوع پژوهشی است که بخش عمده یافته‌های آن تفسیری بوده و با توسل به عملیات آماری یا روش‌های شمارشی پدید نیامده باشند (Strauss & Corbin, 2011: 32). در بررسی اسناد علاوه بر قانون اساسی، قوانین و سیاست‌های مرتبط با خانواده مانند قانون مدنی، قانون حمایت از خانواده، اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، سیاست‌های کلی جمعیت، سیاست‌های کلی خانواده، قانون جوانی جمعیت، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقش‌های جنسیتی زنان و مردان مورد کاوش قرار گرفتند. قابل ذکر است که معیار انتخاب این اسناد، ربط مستقیم یا غیرمستقیم آنها به نقش‌های تعريف شده به صورت عرفی و قانونی برای زنان و مردان در خانواده بوده است. تحلیل تماتیک که تحلیل مضمون نیز نامیده می‌شود، تحلیلی است مبتنی بر استقرای تحلیلی که در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌ها و سپس حمایت موضوعی از آنها است. به عبارتی، تم‌ها در تحلیل موضوعی از داده‌ها نشئت می‌گیرند (Mohammadpour, 2011: 65-66). این تحلیل عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند و تحلیلی است مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (Mohammadpour, 2011: 66). منظور از «مضمون»، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر نشانگر درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (Abedi Jafari & et al., 2011). تحلیل روابط بین مضمون‌ها (به چهار شیوه قالب مضامین، ماتریس مضامین، شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای) انجام می‌شود. شبکه مضامین روش ساماندهی مضمون‌هاست که در این تحقیق انتخاب شده است. در این روش، بر اساس یک رویه مشخص و در سه سطح، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام‌مند می‌کند. در این نوع تحلیل، سعی بر این است که از مضامین پایه‌ای که آشکار و مصرح هستند به سوی مضامین انتزاعی‌تر و کلی‌تر حرکت شود تا به مضمون اصلی متن دست پیدا کنیم (Kamali, 2018). برای سنجش روایی، شانک قائل به «اشباع تماتیک» است. به این معنا که در نهایت تحلیل تماتیک باید به اشباعی برسد که عبارت است از همگرایی مفهومی. محقق باید بررسی کند که آیا کدها، تم‌ها، الگوها و سنخ‌شناسی‌ها تاحدامکان از نظر مفهومی اشباع شده‌اند یا خلاً مفهومی وجود دارد (Mohammadpour, 2011: 70). بدین معنا که تا جای ممکن با کلیدواژه‌های مرتبط، قوانین و سیاست‌ها جمع‌آوری شده تا بتوان به اشباع مفهومی رسید.

## یافته‌ها

پس از بررسی قوانین و اسناد بالادستی با توجه به موضوع نقش‌های جنسیتی، در نهایت به هفت مضمون پایه، سه مضمون سازمان‌دهنده تحت عنوان «خانواده مداری»، «زن محوری جانبدارانه از نقش مادری و همسری» و «نادیده‌انگاری نقش و انتظارات مردانه در خانه» دست یافتیم و در نهایت از انتزاع این مفاهیم سازمان‌دهنده، مضمون فراگیر «عدم نگاه مسئله‌محور در سیاست‌های خانواده» حاصل شد. خلاصه نتایج بدست آمده در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر مستخرج از یافته‌ها

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	مواد استخراج شده	اسناد و قوانین
عدم نگاه مسئله‌محور	خانواده مداری	اهمیت تشکیل خانواده و تسهیل ازدواج	تنظیم مقررات در جهت آسان کردن تشکیل خانواده	قانون اساسی
			الزام آموزش و پرورش به مهارت‌افزایی در زمینه سبک زندگی اسلامی، ازدواج، فرزندآوری	قانون جوانی جمعیت
			آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری	سیاست‌های کلی جمعیت
			تقویت خانواده با آسان کردن تشکیل آن	آیین‌نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان
		پایداری خانواده	تنظیم مقررات در جهت استواری روابط خانوادگی	قانون اساسی
			ایمن‌سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی	قانون تحکیم خانواده
			مشکل بودن طلاق و روند رسیدگی در دادگاه خانواده	قانون حمایت از خانواده
		الگوی مطلوب وظایف نقش و تعاملات خانوادگی	ارائه الگوهای خانواده آرمانی و موفق زن و مرد در اسلام بر اساس نقش‌های مادری، پدری و همسری	قانون تحکیم خانواده
			بازنمایی روحیه همکاری و وفاداری متقابل زن و شوهر	قانون تحکیم خانواده
			توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری	سیاست‌هایی کلی خانواده
			مشارکت اعضا خانواده در تصمیم‌گیری‌ها	قانون تحکیم خانواده
		اهمیت تسهیلات فرزندآوری	تدوین محتواهای آموزشی در راستای فرزندآوری و حذف محتواهای مخالف این موضوع	قانون جوانی جمعیت
	تسهیلات برای درمان ناباروری مردان و زنان		سیاست‌های کلی جمعیت	
	افزایش یارانه به خانواده‌های دارای حداقل ۲ فرزند		قانون جوانی جمعیت	
	تسهیلات بیمه‌ای برای مادران و زنان باردار		قانون جوانی جمعیت	
	زن محوری جانبدارانه از نقش مادری و همسری	اهمیت نقش مادری و همسری	اهمیت نقش مادری و توجه به ارزش معنوی آن	سیاست‌های اشتغال زنان
			تأکید بر نقش زن در استحکام خانواده	قانون تحکیم خانواده
			اهمیت نقش تربیتی و سازنده زنان در خانه	سیاست‌های اشتغال زنان
			نقش محوری زن به‌عنوان محور عاطفه و تربیت	قانون تحکیم خانواده
			حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان	سیاست‌های کلی خانواده
			نقش محوری زن به‌عنوان محور عاطفه و تربیت	قانون تحکیم خانواده
		اهمیت اشتغال و تحصیل زن با تأکید بر نقش مادری و همسری	حق ممانعت اشتغال زن توسط شوهر در صورت مغایرت با مصالح خانواده	قانون مدنی
			امکان کار نیمه‌وقت زنان در وزارتخانه‌ها و مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری	قانون خدمت نیمه‌وقت بانوان
			توجه به وظیفه سنگین زنان در خصوص خانواده و مشارکت اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر	قانون بررسی مسائل و مشکلات زنان کارگر
			افزایش مرخصی زایمان به ۹ ماه	قانون مرخصی زایمان
			اختصاص تسهیلات برای مادران در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان	سیاست‌های کلی جمعیت
			ایجاد فرصت شغلی برای مادران در محیط خانه	سیاست اشتغال زنان
	تأمین معیشت	نقش محوری مرد در امر تربیت و تأمین معیشت	قانون تحکیم خانواده	
		حمایت از نقش پدری و اقتصادی مردان	سیاست‌های کلی خانواده	
		توجه به نقش محوری مرد در امر تربیت و تأمین معیشت	سیاست‌های تحکیم و تعالی خانواده	
		تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن و مرد به‌عنوان پدر، مادر و همسر	قانون تحکیم خانواده	



## خانواده مداری

بررسی اسناد و قوانین نشان از اهمیت نهاد خانواده در سیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی دارد. این اهمیت خود را در مضامینی همچون «اهمیت تشکیل خانواده»، «تسهیل ازدواج»، «پایداری خانواده»، «الگوهای مطلوب روابط نقش‌ی و تعاملات خانوادگی» و «اهمیت فرزندآوری و حفظ بقای خانواده» نشان می‌دهد. در مقدمه قانون تحکیم خانواده، دو بار ذکر شده که خانواده، یک نهاد مقدس است و دو مرتبه دیگر نیز، هدف قانون را پاسداری از قداست خانواده اعلام می‌کند. بخش قابل توجهی از این قانون به ترغیب جوانان به ازدواج و آسان کردن تشکیل خانواده و تقویت آن و تدوین محتوای آموزشی در راستای فرزندآوری می‌پردازد. هدف هفتم قانون تحکیم خانواده، ایمن‌سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی است که راهبردهای آن از این قرارند: «مبارزه همه‌جانبه با ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، طلاق، فرار و...)، اتخاذ تدابیر مناسب جهت حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده و کاهش ضایعات ناشی از بحران‌های خانوادگی، حمایت از زنان و کودکان در برابر تعرض نسبت به حقوق آنان توسط اعضای خانواده و ناهنجاری‌های رفتاری». بنا بر تحلیل مضمون سیاست خانواده در ایران بخصوص قانون تحکیم خانواده، خانواده مطلوب خانواده‌ای است که اعضای آن در نقش‌های اصلی و جنسیتی خود ایفای نقش می‌کنند و نسبت به وظایف و حقوق خود و یکدیگر آگاهی دارند. از این رو فرهنگ‌سازی نقش‌های خانوادگی، الگوسازی خانواده اسلامی ایده‌آل و ارائه الگوی موفق زن و مرد بر اساس نقش‌های مادری، پدری و همسری در دستور کار سازمان‌های فرهنگی مرتبط قرار گرفته است: «افزایش آگاهی‌های زوجین در زمینه حقوق و تکالیف یکدیگر، احکام زناشویی و تنظیم خانواده، تلطیف روابط حقوقی توأم با حسن خلق و معاشرت و تقویت اخلاق، محبت و صمیمیت در روابط اعضای خانواده» (هدف دوم، راهبردهای ۵، ۶ و ۸). در متن قانون تحکیم خانواده به استفاده از رسانه‌های جمعی (هدف ۱ سیاست ۵، هدف ۳ سیاست‌های ۴، ۵ و ۷، هدف ۵ سیاست ۱) و محتوای متون درسی مدارس و دانشگاه‌ها (هدف ۱ سیاست ۵، هدف ۲ راهبرد ۴، هدف ۵ سیاست ۱) در راستای تحکیم خانواده اشاره شده است. در سیاست‌های کلی جمعیت موارد متعددی در مورد اهمیت باروری و فرزندآوری فهرست شده‌اند: ارائه محتوای آموزشی جهت باروری، تسهیلات برای درمان ناباروری، ارائه یارانه‌های کمکی به‌ازای تولد فرزند، اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط (بند ۳).

## زن محوری جانبدارانه از نقش مادری و همسری و نادیده‌انگاری نقش‌ها و انتظارات مردانه

درباره نقش‌های خانوادگی، اهمیت نقش مادری و لزوم توجه به ارزش معنوی آن به‌عنوان محور عاطفه و تربیت و حمایت از عزت و کرامت همسری و مادری از یک سو و توجه به نقش محوری مرد در امر تربیت و تأمین معیشت از سوی دیگر از مفاهیم اصلی هستند. بررسی اسناد و قوانین در مورد نقش‌های جنسیتی با صراحت و شفافیت در مورد نقش‌ها و انتظارات نقش‌ی زن و مرد در خانواده مخصوصاً با توجه به اقتضائات دنیای مدرن و همسو با خانواده امروزی نپرداخته است. قوانین و اسناد نشان می‌دهد که به موضوع زنان از دو بعد، «اهمیت به نقش مادری و همسری» و «اهمیت به اشتغال و تحصیل و فعالیت اجتماعی زنان» - البته در سایه اهمیت به نقش مادری و همسری - پرداخته شده است. مضمون «زن محوری جانبدارانه از نقش مادری و همسری» اشاره به این واقعیت دارد که موضوع زنان برای قانون‌گذار اهمیت داشته است؛ ولی اهمیت موضوع زنان در حوزه‌های اشتغال و تحصیل و حضور در اجتماع در سایه اهمیت و اولویت به نقش مادری و همسری صورت‌گرفته و بیشتر قوانین و اسناد تلاش دارد تا ضمن حمایت از زن در جامعه، ارزش و نقش مادری برای زن را اولویت بخشد. هرچند پرداختن و اهمیت‌دادن به این مهم ضروری است؛ اما در صورتی کارایی و اثربخشی دارد که بتوان متقابلاً برای مردان نیز انتظارات و نقش‌های شفاف پدری و همسری را تعریف کرد. مضمون «نادیده‌انگاری انتظارات و نقش مردانه در خانه» اشاره به این واقعیت دارد که در بررسی اسناد و قوانین نسبت به نقش‌های مردانه، یا قاعده و قانونی وجود ندارد یا به اشاراتی کلی پرداخته شده که بیشتر به نقش نان‌آوری و وظیفه اقتصادی بیرون از خانه توجه کرده است. با توجه به این دیدگاه، نان‌آوری، اشتغال و کار بیرون از خانه؛ مناسب مردان، و پرورش کودکان و تیمارداری و خانه‌نشینی، مناسب زنان است. زنان و مردان،

قابلیت‌ها و ادراک‌های متفاوتی دارند و مکمل یکدیگرند. این برداشت با توجه به متن قانون تأیید می‌شود؛ زیرا قانون‌گذار دو بار در اصول و مبانی شش‌گانه قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن اشاره کرده است: زن و مرد، بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوت‌های طبیعی آنها باید از حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند (اصول و مبانی ۲) و تقسیم‌کار جنسیتی در خانواده به این معناست که زن، محور عاطفه و تربیت خانواده است و نقش محوری مرد، تأمین معیشت خانواده است (اصول و مبانی ۶). در مبحث مربوط به اشتغال زن، برخی از محدودیت‌های اشتغال زنان به علت نقش زوجیت زن است؛ مانند ماده ۱۱۱۷ ق.م که مطابق با آن شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. البته این حق برای شوهر به صورت مطلق تعریف نشده و منوط به مواردی گردیده است که با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین در تضاد است. همچنین مطابق ماده ۱۱۶۸ ق.م، نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است، بنابراین اگر شغل زن مانع از انجام وظایفی که قانون در قبال فرزندان بر عهده وی گذاشته باشد زوج می‌تواند مانع اشتغال زن شود. از سوی دیگر می‌توان گفت بسیاری از قوانین در خصوص اشتغال زنان با اولویت و اهمیت نقش مادری آنها تدوین شده است. قوانینی همچون تعیین مرخصی بارداری و زایمان، بازگشت زن به کار سابق بعد از مرخصی و حساب شدن مرخصی زایمان جزء سوابق و همچنین پرداخت حقوق ایام مرخصی زایمان، از قوانین دوره بارداری برای زنان شاغل است.

### عدم نگاه مسئله‌محور

مضمون فراگیر «عدم نگاه مسئله‌محور» این واقعیت را می‌رساند که در قوانین و اسناد بالادستی، نقش‌های جنسیتی برای زنان و مردان به طوری که رضایت و کیفیت زندگی زناشویی و خانوادگی و در نتیجه سلامت جامعه را تضمین کند؛ مورد توجه قرار نگرفته است و این نشان می‌دهد که در موضوع نقش‌های جنسیتی، نگاه مسئله‌محور، تخصصی، همه‌جانبه و مبتنی بر پژوهش‌های واقعی وجود نداشته است و اصولاً به یک سری موضوعات کلی پرداخته شده، به طوری که قوانین شفاف و عاری از ابهام در مورد نقش‌های جنسیتی وجود ندارد.

### جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

در پاسخ به سؤالات کلیدی پژوهش، نتایج حاصل از بررسی اسناد و قوانین بالادستی که بر اساس روش تحلیل مضمون صورت گرفت، به مضمون فراگیر «عدم نگاه مسئله‌محور» در تدوین سیاست‌های خانواده رسید. این مضمون فراگیر بر اساس سه خرده مضمون سازمان‌دهنده یعنی «خانواده مداری»، «زن محوری جانبدارانه از نقش مادری و همسری» و «نادیده‌انگاری نقش و انتظارات مردانه در خانه» حاصل شد. مضامین سازمان‌دهنده نیز بر اساس هفت مضمون پایه که از دل خلاصه‌ای از اسناد و قوانین بالادستی حاصل شده بود، به دست آمد. بر این اساس می‌توان گفت توجه به خانواده همواره مورد توجه بوده است و اسناد و قوانین بالادستی همواره موضوع خانواده را در اولویت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های خود قرار داده‌اند. این یافته، با نتایج تحقیق کاردوانی و همکاران (2017) و موسوی و همکاران (2020) هم‌راستا است. اما موضوع نقش‌های جنسیتی در قوانین و اسناد بالادستی، مخصوصاً با توجه به مقتضیات دنیای مدرن، همچون اشتغال زنان، تحصیل زنان، دموکراتیک شدن خانواده در جهان، اهمیت تربیت فرزندان، حضور بیشتر رسانه‌های جمعی و فضای مجازی در زندگی و...، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. نبود تعریف صریح و ابهام‌زدایی از نقش‌های جنسیتی در خانواده در حالی صورت می‌گیرد که از یک سو، زمینه حضور زنان در جامعه به دنبال اشتغال، تحصیل و کنشگری اجتماعی بیشتر شده و از طرفی نقش مادری و همسری که موضوعی ذاتی و فطری است، دغدغه همیشگی زنان است. این موضوع در کنار بی‌توجهی سیاستگذار به ارائه تعریفی آشکار و صریح از نقش‌های شوهری و پدری در خانواده، به غیر از نقش نان‌آوری و کار بیرون از خانه باعث شده است که بار مضاعفی از وظایف بر دوش زنان احساس شود و زنان را در دو مسیر متفاوت قرار دهد. زنان یا مجبور به تحمل این فشار مضاعف نقشی می‌شوند؛ فشاری که از مجموع دو هدف خواستنی یعنی میل به همسری و مادری از یک سو و میل به اشتغال، تحصیل و کنشگری اجتماعی از سوی دیگر می‌شود. این فشار مضاف می‌تواند زمینه‌ساز کم‌کاری در هر دو حوزه کار بیرون خانه و کار درون خانه، افزایش اختلافات زناشویی، کاهش کیفیت زندگی و افزایش بیماری‌های جسمی و روحی در زنان گردد. موضوعی که رفعت

جاه (2012) و افضلی، (2018) در پژوهش خود بر آن اذعان دارند. راه دیگر این است که در نهایت زنان مجبور به انتخاب می شوند که یا نقش مادری و همسری را انتخاب کرده و از فعالیت های اجتماعی و شغلی و تحصیلی کناره گیری کنند و یا با انتخاب شغل و فعالیت های اجتماعی از ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری امتناع ورزند؛ بنابراین ضروری است که سیاستگذاران در مورد نقش های جنسیتی با توجه به اقتضائات دنیای مدرن همچون حضور بیشتر زنان در جامعه، از بین رفتن ساختارهای مردسالارانه، نیاز جامعه به اشتغال زنان، بالارفتن سواد عمومی جامعه و تقاضای بیشتر برای حقوق و تکالیف عادلانه و ... به بازنگری اساسی در قوانین و اسناد بالادستی بپردازند. این موضوع در پژوهش پروانه (2007) و احتشام زاده (2010) نیز مورد توجه قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که هرچند در قوانین و اسناد بالادستی در مورد نقش زنان در بیرون و درون خانه بر اهمیت نقش مادری تأکید شده است؛ اما به وظایف و نقش های پدری و شوهری در خانه هیچ اشاره ای نشده است. این یافته با نتایج اولاه (2018) که مدعی گسترش تعاریف نقشی برای زنان و عدم این تعاریف برای مردان است، هم راستاست. یا اگر صحبتی از نقش مردان شده صرفاً به همان بحث نان آوری و اهمیت نقش اقتصادی مردان در بیرون خانواده توجه شده است. موضوعی که موسوی و همکاران (2020) نیز بر آن صحنه گذاشته اند. پژوهش حاضر مدعی تغییر نقش های جنسیتی با حضور همیشگی مردان در خانه و حضور زنان در بیرون از خانواده نیست؛ بلکه مدعی است انتخاب نوع و شیوه کار، نقش ها و وظایف نقشی و سیاستگذاری در این حوزه، باید مبتنی بر مفهوم دموکراسی بین زن و مرد باشد، به گونه ای که رضایت طرفین را فراهم کرده و کمال مطلوب خانواده را رقم بزند. حال این رضایت می تواند توافق زوجین بر سر نقش های سنتی باشد یا گونه های جدید از تعریف نقش ها بر اساس مشورت و گفتگو؛ بنابراین همان گونه که نظری (2019) و مرادی (2021) نیز بیان کرده اند ضروری است که قانونگذاران با در نظر گرفتن تنوع، تکثر و تفاوت نظر و عقیده ای که در جامعه وجود دارد بر اساس تقریب سیاستگذاری ها با واقعیت های جامعه، به بازنگری اساسی در تعریف نقش های خانوادگی در ایران بپردازند. بر این اساس برخی از توصیه های سیاسی در ادامه ذکر می گردد:

- تعریف صریح نقش های جنسیتی مبتنی بر پژوهش های میدانی و نظر کنشگران اصلی خانواده
- بسترسازی برای ایجاد آرامش روانی برای زنان تا بتوانند هم میل به مادری و همسری را ارضا کنند هم میل به تحصیل و اشتغال و فعالیت های اجتماعی را. مثلاً ایجاد مراکز مراقبت از فرزندان برای زنان حین تحصیل
- اختصاص ساعاتی در روز برای حضور مرد در خانه در صورت داشتن فرزند زیر سه سال به دلیل نیاز ضروری فرزندان در این سن به هر دو نقش پدری و مادری
- تدوین قوانینی در راستای فرهنگ سازی جهت از بین بردن برخی مفاهیم غلط جاافتاده در فرهنگ ایرانی مثل «مرد زن ذلیل» یا از بین بردن قباحات کار مرد در خانه
- تدوین قوانین مربوط به خانواده توسط کارگروه هایی متشکل از مجموعه ای از افراد خبره فرهنگی، هنری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ...
- در نظر گرفتن رفتارهای جدید فرهنگی مثل استفاده از فضای مجازی در تدوین قوانین

## References:

- 1- Abedi Jafari, H. Taslimi, M. Faqih, A. Sheikhzadeh, M. (2011). Theme analysis & theme network: a simple method to explain patterns in qualitative data. Strategic Management Thought 5(2) [in Persian].
- 2- Afzali, S. (2018). Sociological investigation of the effects of gender role stereotypes on the distribution of household roles among couples living in Sari. M.A thesis. Sari: Mazandaran University, Faculty of Humanities & Social Sciences [in Persian].
- 3- Atkinson, J. (1987). Gender roles in marriage & the family: a critique & some proposals. J Fam Issues, 5-41.
- 4- Azad Armaki, T. (2007). Sociology of Iranian family. Tehran: SAMT Press [in Persian].
- 5- Bahmani, M., Fallahchaie, S., & Zareie, E. (2012). Comparison Equity between Satisfied & Conflicting Couples. Family Counseling & Psychotherapy Journal, 382-395.
- 6- Beck, U. (1992). Risk Society: Towards a New Modernity. London: Sage.
- 7- Beck, U., & Beck-Gernsheim, E. (2002). Individualization London, Sage. London: Sage.
- 8- Bojari, S. Parham, A. (2013). Comparative study of the position & importance of marriage & family in Islam & Judaism. Marafet-e Adyan, year 4, issue 3, 17-36 [in Persian].
- 9- Bostan, H. (2003). Inequality & sexual oppression from the perspective of Islam & feminism. University & Field Research Institute, Qom, first edition [in Persian].
- 10- Bostan, H. (2006). Revision of gender role theories. Women's Research, Volume 4, Number 1, 5-31 [in Persian].

- 11- Dehdast, K. Ghobadi, Sh. (2020). Explaining the indicators of discontinuity in the Iranian family affected by the modernization process. Quarterly of Culture of Counseling & Psychotherapy, Year 11, Number 34, 121-158 [in Persian].
- 12- Ehteshamzadeh, P. (2010). Evolution of women's gender roles & mental health of the family. Women & Culture, 51-65 [in Persian]
- 13- Forste, R., & Fox, K. (2012). Household Labor, Gender Roles, & Family Satisfaction: A Cross-National Comparison. Journal of Comparative Family Studies, 613-631.
- 14- Gere, J., & Helwig, C. (2012). Young Adults' Attitudes & Reasoning About Gender Roles in the Family Context. Psychology of Women Quarterly, 301-313.
- 15- Giddens, A. (1991). Modernity & Self-Identity: Self & Society in the Late Modern Age. Cambridge: Polity.
- 16- Giddens, A. (1997). Sociology. Cambridge: Polity Press.
- 17- Giddens, A. (1998). The Third Way: The Renewal of Social Democracy. Cambridge: Polity.
- 18- Giddens, A. (2008). Sociology, translated by Hasan Chavoshian, Ney Press [in Persian].
- 19- Jalalikhah Z. (2016). The relationship between gender roles & family functioning in the last three generations. M.A thesis. Malayer: Malayer University, Faculty of Literature & Humanities [in Persian].
- 20- Kamali, Y. (2018). Methodology of Theme analysis & its application in public policy making studies. Public Policy, Volume 4, Number 2, 208-189 [in Persian].
- 21- Kammeyer, K.C.W., et.al. (1989). "sociology", Boston & London Allyn & Bacon.
- 22- Karami, F. (2014). Examining the power structure in the family & its effect on fertility (a survey study of married women in Tehran). M.A thesis. Tehran: Tarbiat Moalem University, Faculty of Literature & Humanities [in Persian].
- 23- Kardevani, R. Taj Mazinani, A. Mirkhani, A. Sajjadi, M. (2017). Explaining political patterns & changes in Iran's social policy in the field of "motherhood/employment". Research Journal of Women, Year 8, Number 4, 37-64 [in Persian].
- 24- Khanmohammadi, H. Aslipour, h. (2007). Designing a network of general policy themes of the family system based on interpretative structural modeling. Educational Culture of Women & Family, No. 39, 107-140 [in Persian].
- 25- Kianpour, M. Gorji, A. Nasiri, B. (2019). Familyism in the Constitution of the Islamic Republic of Iran inspired by Quranic teachings. Qur'anic Studies Quarterly, year 10, number 4, 191-216 [in Persian].
- 26- Kruger, R. L. (1997). The Influence of Gender Stereotypes & Roles on Managerial Performance of Women Education Leaders (Unpublished thesis). Bloemfontein South Africa: University of the Free State.
- 27- Mir Mohammad Rezaei, B. Sarukhani, B. Sarai, H. (2017). Globalization & demographic changes of the Iranian family. Women & Family Studies, year 9, issue 35, 119-154 [in Persian].
- 28- Mohammadpour, A. (2011). Qualitative research method, anti-method, steps & practical procedures in qualitative methodology, second volume, Tehran: Sociologists [in Persian].
- 29- Moradi, R. (2021). Analysis of family cultural policies in Iran after the revolution. Quarterly Journal of Communication Culture Studies [in Persian].
- 30- Moshirzadeh, H. (2003). From movement to social theory. Shiraz Publications [in Persian].
- 31- Mossadegh Fakkeh, A. (2012). The effect of women's employment in changing the traditional pattern of couples' relationships (a case study of high school teachers in Bushehr). M.A thesis. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Social Sciences [in Persian].
- 32- Mousavi Veyaye, F. Sohrabzadeh, M. Niazi, M. (2020). Examining the coordinates of family policy in Iran based on the content analysis of upstream documents. Public Policy Quarterly, Volume 6, Number 1 [in Persian].
- 33- Navabinejad, Sh. (2012). Damages & desirable patterns of the family. Strategic thoughts, women & family, second volume, first edition [in Persian].
- 34- Nazari, H. (2019). Explaining the social context of family policy-making (based on measuring the attitudes of young people aged 20 to 35 living in Tehran & analyzing the content of laws & policies in the family field). PhD dissertation. Kashan: Kashan University, Faculty of Humanities [in Persian].
- 35- Oláh L.S., K. I. (2018). The New Roles of Men & Women & Implications for Families & Societies. In G. J. Doblhammer G., A Demographic Perspective on Gender, Family & Health in Europe (pp. 41-64). Springer, Cham.
- 36- Panahi, A. (2010). Gender roles of men & women in the family system. Marafet, 127-143 [in Persian].
- 37- Perrone KM, W. S. (2009). Traditional & Nontraditional Gender Roles & Work—Family Interface for Men & Women. Journal of Career Development, 8-24.
- 38- Rafatjah, M. (2012). Changing Gender Stereotypes in Iran. International Journal of Women's Research, 61-75.
- 39- Shoa, S. (2019). Sociological explanation of rethinking gender role models & its effect on family cohesion (a case study of married women in Shiraz city). PhD Thesis. Kashan: Kashan University, Faculty of Humanities [in Persian].
- 40- Sohrabzadeh, M. Shoa, S. Niazi, M. Movahhed, M. (2019). Rethinking female gender roles & its social & cultural determinants. Women & Family, Year 14, Number 49, 111-87 [in Persian].
- 41- Strauss, A. Corbin, J. (2011). Basics of qualitative research. Translated by Ebrahim Afshar, Tehran: Ney Press [in Persian].